

احساس علاقه به دیده شدن و مورد توجه قرار گرفتن در همه آدم‌ها وجود دارد اما مساله تنها دیده شدن نیست؛ مساله این است که این دیده شدن را به چه قیمتی به دست بیاوری!

حیات خانه سینما سلوغ و پریها هو است: داریوش اسدزاده، اکبر زنجانیپور، ناصر ممدوح، پانته‌آبهرام، یکی‌یکی از در می‌رسند، مراسم داوری جشن خانه سینما است و ما منتظر رعنا، زندان‌بان زندان زنان، عمه شازده خانم؛ ملوک عاشق کافه ستاره و رویا تیموریان هستیم. بازیگری گزیده کار و مدرسی که کارنامه‌ای قابل دفاع در دنیای سینما و تلویزیون و به ویژه تئاتر دارد؛ کسی که شهرت برایش مانند همه آدم‌ها مهم است؛ اما آن را به هر قیمتی و یک‌شبه به دست نیاورده است؛ با صدای گرفته و محکم، چشمان بهت زده و چهره‌ای که گویی رازی را در خود دارد از راه می‌رسد و از دنیای سینما و سلامت گذشته در آن می‌گوید.

سلامت: خانم تیموریان! به چه چیزی فکر می‌کردید که وارد دنیای سینما و تئاتر شدید؟

من به کار گروهی خیلی علاقه‌مند بودم خیلی هم اهل ورزش شنا و دو بودم حتی والیبال را به صورت جدی و حرفه‌ای دنبال می‌کردم و عضو تیم والیبال جوانان پاس تهران بودم اما همیشه توی ذهنم به کاری فکر می‌کردم که با مردم ارتباط نزدیک داشته باشیم تا اینکه برای اولین بار با مرحوم غلامرضا طباطبایی – شوهر اوهرم – که بازیگر و استاد دانشگاه بودند با تئاتر آشنا شدم؛ من با ایشان اولین تئاتر زندگی‌ام را که در دانشکده ادبیات اجرا می‌شد دیدم و یادم هست آنقدر شگفت‌زده شده بودم که قابل وصف نبود.

سلامت: از چه چیزی شگفت‌زده شده بودید: از نزدیکی با بازیگرها و دیدن آنها بدون هیچ واسطه‌ای یا کلا تئاتری که دیدید جذاب بود؟

کلیت تئاتر برای من جذاب بود اما بیشترین چیزی که موجب کنش من به این دنیا شد این بود که آدم‌ها از قالبی به‌قالبی دیگر در می‌آمدند و فاصله‌ای بسیاری نزدیک با تماشاگر داشتند.

سلامت: فکر می‌کردید برای بازیگری به غیر از علاقه؛ استعداد هم دارید؟

واقعاً نمی‌دانستم چون تا عمل نکتی متوجه نمی‌شوی که می‌توانی بازیگر خوبی باشی یا نه بعضی وقت‌ها این تصور در تو هست که استعداد بازیگری نداری اما واقعاً این طور نیست و تو استعداد داری گاهی هم برعکس!

سلامت: مساله دیده شدن و شهرت چه‌قدر برای شما اهمیت داشت؟

حس دیده شدن و مورد توجه قرار گرفتن در همه آدم‌ها هست و فقط مختص من نیست اما مساله این است که این دیده شدن را به چه قیمتی به دست بیاوری.

سلامت: شما به چه قیمتی دیده شدن را به دست آوردید؟

به قیمت صبوری و تجربه کردن! **سلامت:** فکر می‌کنید الان هم به واسطه صبوری و تجربه است که بازیگرهای جوان دیده می‌شوند؟

متأسفانه الان صبوری در کار نیست، ما- ما که می‌گوییم منظورم نسلی است که دوره انقلاب را پشت‌سر گذاشته- نسلی آرمانی و آرمان‌خواه بودیم و این آرمان‌خواهی تا یکی، دو نسل بعد از ما هم ادامه پیدا کرد اما الان با نسلی از بازیگرها روبه‌رو هستیم که شهرت برایشان مهم‌تر از هر چیز دیگری است.

سلامت: این شهرت که گفتید به نوعی مربوط به ستاره‌های جوان سینما است، اما شما و نسل شما در عین اینکه سال‌هاست از کارتان می‌گذرد هنوز شهرت خود را حفظ کرده‌اید.

بله اما شهرت هم تاریخ مصرف دارد خصوصاً برای بازیگرهایی که فکر می‌کنند به خاطر زیبایی صرف می‌توانند وارد دنیای سینما و با تئاتر شوند و هیچ کار دیگری نکنند این گروه بعد از مدتی کنار می‌روند چون خوشگل‌تر و با استعدادتر از آنها هم پیدا می‌شود.

سلامت: ولی اگر بازیگری بخواهد مانند کار باشد تکلیفش چه می‌شود؟

دوره‌ای که ما کار می‌کردیم گاه ماه‌ها به علت تمرین غروب آفتاب را نمی‌دیدیم در آن زمان حتی قراردادی هم نداشتیم اما برای کاری که انجام می‌دادیم و تمرین‌های سختی که داشتیم انگیزه داشتیم، اصل برای ما یادگیری بود نه پول و ثروت و شهرت صرفاً!

سلامت: خود شما و هم‌نسلان آرمانی‌تان در زمینه بازیگری تدریس هم می‌کنید پس چرا شاگردان‌تان با این همه تفاوت از شما رشد پیدا می‌کنند؟!

عوامل زیادی در کار است تنها من مربی نیستم؛ شاگردمن بیشتر از آن‌که با من باشد در اجتماع است؛ شاگرد من در رابطه‌تئانتنک‌بسیاست‌گذاری‌های اجتماعی و فرهنگی ما قرار می‌گیرد. وقتی ماطوری فرهنگ‌سازی می‌کنیم که پول حرف اول را می‌زند و بعد هم معروف شده که بازیگرها پول خوبی در می‌آورند؛ باز انتظاری دارید؟! وقتی اخلاقیات ضعیف می‌شود و همه چیز شکل دیگری پیدا می‌کند

گپی با رویا تیموریان، بازیگر، مدرس و والیبالیست قدیمی

اخلاقیات ضعیف شده!



تصویر: مجید لیلیان

روی همه ما تاثیر می‌گذارد. بازیگر تازه وارد هم

دلش می‌خواهد به محض ورود وسط تلویزیون و سینما بیفتد. این طوری است که معنا و مفهوم واقعی هر چیزی از بین می‌رود در کنار همه اینها اضافه کنید تدریس‌های خیلی بد در آموزشگاه‌ها و دانشگاه‌ها و ...

سلامت: آدم سخت‌گیری هستید؟

برای انتخاب نقش‌هایم خیلی؛ خصوصاً این روزها که در سال‌های اخیر آنقدر با ضعف فیلمنامه و مطرح کردن موضوعات دست‌پایین‌رو‌به‌رو هستیم که سخت‌گیری را دو چندان می‌کند.

سلامت: تا به حال پیش آمده بنا به اجبار در کاری که قبول نداشتید بازی کنید؟

هیچ‌وقت! من دوست دارم کاری‌را که انجام می‌دهم نتیجه خوبی به همراه داشته باشد و نمی‌توانم خودم را راضی کنم به اینکه خب کاری را انجام دادم و بگذارم؛ بروم. برای من کاری که انجام

می‌دهم هم در کلیت و هم در نقشی که دارم خیلی مهم است.

سلامت: پیامی که آن فیلم با مجموعه برای مخاطب دارد چه‌قدر برای شما اهمیت دارد؟ وظیفه هنرمند پیام دادن نیست چون ما نه سیاست گذار هستیم و نه قرار است با کارهایی

که انجام می‌دهیم جواب کسی را بدهیم و نه چیزی را تغییر بدهیم.

سلامت: پس یک هنرمند وظیفه اجتماعی ندارد و به قولی در راستای «هنر برای هنر» فعالیت می‌کند؟

نه، وظیفه هنرمند ایجاد سوال است؛ یک هنرمند باید با کاری که انجام می‌دهد ضربه‌های کوچکی را به مخاطب بزند تا درباره فلان موضوع یا موقعیت فکر کند در عین حالی که از کار باید لذت بصری و روحی ببرد، من هم به همین دلیل تمایل به هر کاری ندارم و دوست دارم کاری که انجام می‌دهم برای مخاطب جذاب باشد تا چند سال دیگر وقتی به کارهایم نگاه می‌کنم مجموعه قابل‌قبولی را ببینم که هم خودم از انجام آنها لذت برده باشم و هم مخاطبم از دیدن آنها چیزی را

نگاه



کوشه‌ای از کارنامه رویا تیموریان

- تحصیلات:** کارشناس بازیگری و کارگردانی نمایش از دانشکده هنرهای دراماتیک
- بازی در نمایش‌های:** «ماهی سیاه کوچولو»/۱۳۵۸/ «تندیس»/۱۳۵۸/ «کنیبه»/۱۳۵۸/ «آبی به رنگ دریا»/۱۳۶۳/ «مریم و مرداوینج»/۱۳۶۷/ «تولد»/۱۳۶۷/ «ادیوس»/۱۳۶۸/ «باغ آلبالو»، «تالار چهارسو؛ ۱۳۷۱-۱۳۷۲/ «معرکه در معرکه»/۱۳۷۳/ «بینوایان»/۱۳۷۵/ «شمس»/۱۳۷۶/ «هر»؛ به کارگردانی «نصرالله قادری»/۱۳۷۶/ «عروسی خون»/۱۳۷۸/ «پاپلو نرودا»/۱۳۷۸/ «بازرس»/۱۳۷۹/ «خانه برناردا آلبا»/۱۳۸۱-۱۳۸۰/ بازی و کارگردانی در نمایشنامه‌خوانی «فرزند»؛ تهران، تئاتر شهر، کافه تالار اصلی/ ۱۳۸۲/ نمایشنامه‌خوانی «im»/۱۳۸۲/ بازی و کارگردانی نمایشنامه‌خوانی «یک تنبیه با شکوه»/۱۳۸۲ ...
- بازی در فیلم‌های سینمایی:** زادبوم (۱۳۸۷)/ روی خط صفر (۱۳۸۶)/ استوری (۱۳۸۵)/ گوشواره (۱۳۸۵)/ شهر آشوب (۱۳۸۴)/ بید مجنون (۱۳۸۳)/ کافه ستاره (۱۳۸۳)/ تیک (۱۳۸۰)/ قارچ سمی (۱۳۸۰)/ زندان زنان (۱۳۷۹)/ مریم مقدس (۱۳۷۹)/ دفتری از آسمان (۱۳۷۸)/ شراره (۱۳۷۸)/ مرد بارانی (۱۳۷۸)/ لژیون (۱۳۷۷)/ حسرت دیدار (۱۳۷۳) و ...
- بازی در مجموعه‌های تلویزیونی:** ریحانه/ لبه تاریکی/ رعنا به کارگردانی داوود میرباقری/ محاکمه/ شب دهم/ دوران سرکنشی/ مدار صفر درجه/ ساعت شنی و ...

و همدیگر در ادک می‌کنیم مشکلی ندارم. **سلامت:** بازیگر بودن کاری نیست که زمان مشخصی داشته‌باشد، این حالت‌موجب نمی‌شد برای خانواده زمان کمی بگذارید؟

نه، من همیشه سعی کردم با همه مشکلات کاری که داشتم برای بچه‌ها کم نگذارم برای مثال من روی مسایل تغذیه بچه‌ها خیلی حساسم اما سخت‌گیر نیستم.

سلامت: حساسید اما سخت‌گیر نیستید یعنی چه؟

یعنی همیشه برای من مهم بود که از مواد غذایی تازه استفاده کنم حتماً سالاد و سبزی همراه غذای ما بود اما غذای بیرون را هم تحریم نمی‌کردم و تعادل را حفظ می‌کردم. درباره خودم هم خیلی در رابطه با خوردن شکر، نمک و قند مراعات می‌کنم و تا به حال هم خدا را شکر مشکلی نداشتم.

سلامت: این همه مراعاتی که درباره غذا خوردن دارید موقعی که سر فیلمبرداری هستید هم وجود دارد؟

اصلاً خود من چندبار سر صحنه به علت غذای فاسد مسمومیت غذایی پیدا کردم و کارم به بیمارستان و سرم کشید.

سلامت: هیچ اعتراضی به تهیه‌کننده نکردید؟

نه، اصلاً سلامت بازیگر برایشان اهمیت ندارد ما هم که اعتراض می‌کنیم در سینما به بازیگران غرغرو معرفی شدید؛ حتی من و رایگان برای یک کار، شب زیر باران فیلمبرداری داشتیم و هیچ‌کس فکر نکرده بود که لباسی برای زیرلباس ماطراحی کند تا از باران در امان باشیم و تازه بعد از اینکه پلان‌های بازی‌مان تمام می‌شد مجبور بودیم با نوره‌ای صحنه خودمان را خشک کنیم!

سلامت: فکر می‌کنید نظارت‌روی این پروژه‌ها سرمایه‌گذاری‌که می‌تواند فازی باشد یاوزارتخانه یا هر جای دیگری.

سلامت: این کار انجام می‌گیرد؟

نه! تا جایی که خیلی از بازیگرها سرصحنه آسیب دیدباند و با همین آسیب در حال گذراندن زندگی‌شان هستند. البته بگویم در بین تهیه‌کننده‌ها هستند افرادی که به بازیگر اهمیت می‌دهند اما آن‌قدر کم هستند که ما فکر کنیم ای وای عجب اتفاق خوبی است در حالی که این قضیه باید طبیعی باشد.

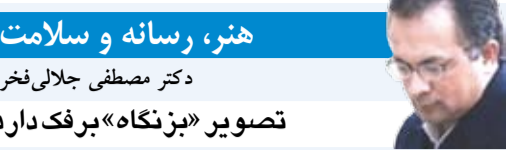
سلامت: اگر تمام سختی‌ها و شیرینی‌های این سال‌ها را با هم جمع کنید سختی‌ها بیشترند یا شیرینی‌ها؟

سختی‌ها خیلی بیشتر بوده، خیلی بیشتر!

سلامت: اگر دوباره به سال‌های پیش برگردید، باز هم بازیگری را انتخاب می‌کنید؟

بله حتماً!

تصویر: مجید لیلیان



«بزنگاه» یکی از مجموعه‌های ماه مبارک رمضان است که رضا عطاران به سیاق سال‌های گذشته و در قالب طنز ساخته است. افت فاحش کیفی مجموعه را در این مجال نمی‌توان بررسی کرد اما عیوب سلامت محور آن را می‌توان متذکر شد. از نگاه سرسری و طنز و دوست داشتنی به اعتیاد و معتاد و نمایش سهیم شدن کودک خانواده در دعوای و مخفی کردن مواد در جورابش گرفته تا رواج واکنش‌های غیر واقعی در مواجهه با مرگ والدین و واکنش‌های سوگ و حرمت‌شکنی و... تلخ‌تر از همه نگاه تحقیرآمیز به دخترانی که در سن ازدواج هستند. برادر بزرگ‌تر (صابر) دو دختر دم بخت دارد که یکی چهره مورد پسندی دارد و دیگری که کمی شیرین عقل هم نشانش می‌دهند، سیمای چندان مطلوبی ندارد. در یکی از قسمت‌ها، شاگرد صابر به خانه‌شان آمده و مشغول صحبت با اوست. ابتدا دختر خوش‌چهره جای می‌آورد (با رفتاری به قصد دل فریبی جوان شاگرد) و جوان هم با اشتیاق می‌پذیرد و تماشایش می‌کند. لختی بعد، دختر دوم با همان قصد، میوه می‌آورد اما این بار با اکراه جوان مواجه می‌شود و باز می‌گردد. نوع بازی‌ها و میمیک‌ها و موقعیت‌ها می‌تواند خنده‌دار باشد و چه بسا عده‌ای هم خندیده‌اند. برگردیم به خانه‌های مردم و انبوهی دختر مجرد را فرض کنیم که در حال تماشا هستند. با توجه به آمار بالای دختران مجرد بالای ۳۰ سال و رتبه اول ایران در جراحی‌های زیبایی. این واقعیت را هم نمی‌توانیم انکار کنیم که ازدواج و زیبایی جزو دغدغه‌های جدی بسیاری از بانوان است؛ سواى سایر شئونت و امتیازات فردی و اجتماعی. اصلی‌ترین عامل افسردگی و اضطراب بسیاری از مراجعان خانم به روان‌پزشک‌ها هم ریشه در همین مسایل دارد. باور دادرستی است اما متأسفانه واقعیت دارد. وظیفه

رسانه در مقام فرهنگ‌سازی چیست؟

طبعاً اصلاح باورهای غلط و سوق دادن واقعیت‌ها به باورهای درست... اما در این صحنه که شرح دادم چه اتفاقی می‌افتد؟ تحقیر یک دختر دم‌بخت از دو منظر؛ یکی اصرار توهین‌آمیز برای دلربایی از یک جوان و دیگری مطرد شدن به دلیل سیمای ظاهری‌اش. منطقی نیست که فکر کنیم چه تعداد تماشاگر این صحنه که شرایط نسبتاً مشابهی دارند، دچار اضطراب و دل‌پریشی و سرخوردگی شده‌اند؟! یادمان باشد که عامل اضطراب می‌تواند شبیه بهمن عمل کند و با یک هسته به ظاهر کوچک، که اندوهی یاس‌آور و فرسوده‌کننده بدل شود. واقعاً نمی‌توان به فکر آنهایی بود که پس از دیدن این قسمت «بزنگاه»، دوباره در برابر آینه ایستادند و به هزار جور سرخوردگی و ناامیدی‌شان فکر کردند؟ و گریز از هم‌ذات‌پنداری ملال‌آور با

دختر طرد شده داستان... یادمان باشد که جامعه‌ای می‌تواند آرام و محترم باقی بماند که زنان آرامی داشته باشد و با احترام نگاه‌شان کند. ■

بهترین مقاله را انتخاب کنید

۱۸۶۳۰۲
 ۲۰۰۰۲۸
 SMS

مایکل فلیس، قهرمان اسطوره‌ای المپیک اختلال توجه دارد

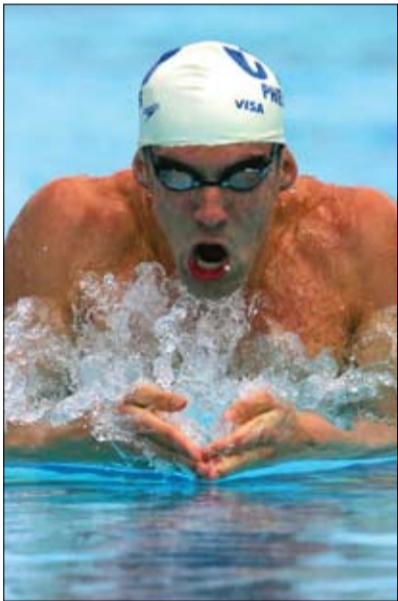
بیماری قهرمان المپیک

چه ممکن است در بعضی از افراد این بیماری تا بزرگسالی هم تشخیص داده نشود مشکلات رفتاری خاص این بیماری (که در پسرها هم شایع‌تر است) می‌تواند موجب نقص و عقب‌افتادگی در زمینه تحصیلی، اجتماعی و مهارت‌های شغلی شود. افسردگی، اضطراب، تغییرات خلقی و احتمال سوء مصرف مواد هم از خطرانی است که بزرگسالان مبتلا به این بیماری را تهدید می‌کند. اختلال در ارتباط بین کودک و حمایت‌های لازم برای این کودکان بسیار حیاتی است. بیش‌فعالی بر اساس علائم و مشاهدات بالینی و معیارهای مقایسه‌ای به وسیله روان‌پزشک یا روان‌شناس تشخیص داده می‌شود. البته شدت و ضعف این علائم نباید موجب تشخیص‌های اشتباه شود.

بعضی از این کودکان به غیر از این بیماری مشکلات روانی دیگری هم ممکن است داشته باشند اما بیش‌فعالی را باید با مشاوره، شناخت و رفتاردرمانی، شیسه‌سازی، بازی‌درمانی و هدس‌فازسازی درمان کرد. در کنار تمام این درمان‌ها هم باید از داروهایی مانند ریتالین یا مشتقات متیل‌آمفتامین برای کنترل بیش‌فعالی کودک و اختلال توجه وی بهره برد. اگر چه پاسخ‌ها به این دارو در افراد گوناگون متفاوت است. آموزش به معلم و والدین و یاد دادن روش‌هایی برای کنترل شرایط کلاس یا محیط خانه این کودکان و فراگرفتن تکنیک‌هایی برای کنترل رفتار و دلگرمی دادن به فرزند مبتلا به این بیماری، از اقدامات حمایتی است که باید به والدین این کودک آموزش داده شود. توجه نکردن به کودک، مصرف مواد مخدر، دوری از همسالان و توجه نکردن به درمان، مسایلی است که می‌تواند روند بیماری را بدتر کند و اثرات جبران‌ناپذیری به دنبال داشته باشد. بسیاری از متخصصان پیشنهاد می‌کنند انرژی

غیرقابل کنترل این کودکان در یک جهت مفید و لذت‌بخش برای خود کودک هدایت شود. ورزش‌های رزمی، ورزش‌هایی مانند شنا که موجب تمرکز کودک می‌شود و یا بازی‌های جمعی که وی را در کنار همسالان نرمال خود قرار می‌دهد پیشنهادهای خوبی برای این کودکان محسوب می‌شوند. ■

منبع: نیویورک تایمز



■ **ترجمه:**
سیداحسان بیکیایی

«او یک جا بند نمی‌شود، نمی‌تواند ساکت بماند، اصلاً قدرت تمرکز ندارد.»

اگر معلم فرزندان این جمله‌ها را راجع به کودک‌تان به‌شما بگوید چه کار می‌کنید؟ غصه می‌خورید؟ از آینده وی نا امید می‌شوید؟ مدرسه فرزندان‌تان را عوض می‌کنید یا با یک روان‌شناس برای درمان وی صحبت می‌کنید؟ یا فکرمی‌کنید از او یک قهرمان المپیک بسازید؟

این کاری بود که مادر مایکل فلیس قهرمان اسطوره‌ای المپیک و برنده ۱۴ مدال طلای المپیک انجام داد. جمله‌های فوق جملاتی بودند که مرئی مهد کودک مایکل فلیس روی برگه مشاوره روانشناسی وی نوشته بود. بررسی روانپزشکان روی این کودک با ظاهر عجیب به این نتیجه رسیده بود که مایکل فلیس به بیماری اختلال توجه و بیش‌فعالی مبتلاست. بیش‌فعالی و اختلال

توجه یکی از شایع‌ترین اختلالات تکاملی است که میان سه تا ۱۰ درصد کودکان سنین دبستان را با شدت‌های متعدد مبتلا می‌کند. انرژی و فعالیت زیاد، ناتوانی در تمرکز و توجه روی یک موضوع خاص و رفتارهای غیرقابل کنترل و ناگهانی از علایمی است که کودکان مبتلا به بیش‌فعالی از خود نشان می‌دهند. اینها دقیقاً همان علایمی بودند که مایکل فلیس در دوره مهد کودک و بعد سال‌های ابتدایی مدرسه از خود نشان داد و به گفته معلمان وی نمی‌توانست مانند بقیه بچه‌ها آرام در سر کلاس بنشیند. مدام از جایش بلند می‌شد، می‌خندید، بچه‌های دیگر را ازبیت می‌کرد و یانمی‌توانست به موضوع مورد بحث در کلاس توجه کند. به همین دلیل در سن ۹ سالگی و با مراجعه به پزشک برای وی تشخیص بیماری بیش‌فعالی و اختلال توجه مطرح شد و برای درمان وی هم داروی ریتالین تجویز شد.

اما نکته مهمی که درباره بیماری این کودک وجود داشت و موجب شده نه تنها وی برخلاف اغلب مبتلایان این بیماری افت تحصیلی نداشته باشد و مشکلاتی در زمینه پیشرفت اجتماعی و تکاملی برایش به وجود نیاید، نوع رفتار و واکنش مادرش به این علائم بود.

مادر مایکل فلیس، پس از شنیدن شکایات معلمان وی اولین جمله‌ای که گفت این بود که: «خب، چه کاری از دست من به شما برای کمک به مایکل برمی‌آید؟» او که خود یک معلم مدرسه بود متوجه شد که نباید اجازه بدهد این